

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی (۲) یازدهم از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخ‌گویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند (🙄) در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۲) نیاز دارید، تنها در ۱۳ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

یک راهکار، موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤالات درس‌های ۱ تا ۴ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



بازم‌بندی درس عربی زبان قرآن (۲)

نوبت اول	نوبت دوم	مهارت‌های زبانی
نمره ۲	نمره ۲	مهارت واژه‌شناسی
نمره ۷	نمره ۷	مهارت ترجمه به فارسی
نمره ۷/۵	نمره ۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
نمره ۳	نمره ۳	مهارت درک و فهم
نمره ۰/۵	نمره ۰/۵	مهارت مکالمه
نمره ۲۰	نمره ۲۰	جمع

فهرست

نوبت	آزمون	پاسخ‌نامه
اول	۳	۲۸
اول	۵	۲۹
اول	۷	۳۰
اول	۹	۳۱
دوم	۱۱	۳۲
دوم	۱۳	۳۳
دوم	۱۵	۳۴
دوم	۱۸	۳۵
دوم	۲۰	۳۶
دوم	۲۲	۳۷
دوم	۲۴	۳۸
دوم	۲۶	۳۸
درس‌نامه توپ برای شب امتحان		
۴۰		

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به‌جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
ردیف	آزمون شماره ۱			
درس اول				
۱	۰/۵	بیهوا! متن هر درس رو خوب بنویس لطفاً! چون معلماً معمولاً این‌طور سوال‌ها رو از متن درس می‌دن!	ترجم کلمات الّتی تحتها خطّ. يَبْسُ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ.	۱
۲	۱	این سوال، نقش کلمه رو می‌فشار. هتماً باید به نگاهی به قواعد کتاب دهمتون بندازین!	أذكر المحلّ الإعرابي للكلمات الّتی تحتها خطّ. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ لِنَفْسِهِمْ لِعِبَادِهِ.	۲
۳	۰/۵	اسم مکان وزن‌های مشخصی داره!	عین اسم المكان في هذه الجملة ثم ترجمه. قَرِيبٌ مِنْ بَيْتِنَا مَكْتَبَةٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا كُتُبٌ قِيَمَةٌ.	۳
۴	۱	اسم تفضیل بیشتر بر وزن «أفعل» میاد. هواستون به اون دو کلمه خاص هم باشه!	عین اسم التفضیل في هاتین الجملتین ثم ترجم اسم التفضیل فقط. الف) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ب) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْحَلْقِ الْحَسَنِ.	۴
۵	۰/۲۵	باید ریاضیتون خوب باشه!	أكتب في الفراغ عدداً مناسباً. سَبْعَةٌ وَ خَمْسُونَ زَائِدٌ سِتَّةٌ وَ ثَلَاثِينَ يُسَاوِي	۵
۶	۰/۵	اینم به دوره‌ای از سال قبله، درس آخر!	عین اسم الفاعل أو اسم المفعول أو اسم المبالغة. (اثنين) الف) إِنَّ اللَّهَ عَفَا ذُنُوبَهُ. ب) يَا مَعْبُودَةَ لَا شَرِيكَ لَهُ.	۶
۷	۰/۲۵	مکالمه‌های کتاب رو خوب یاد بگیرین، چون این سوال از مکالمه هر درس میاد، باید جمله‌سازی کنید شما!	رتبّ الكلمات و اكتب جملة صحيحة كاملة. «يَكَمْ - السراويل - تومان - هذه - ؟»	۷
۸	۱	هواستون باشه علاوه بر این‌که معنی کلمات رو درست می‌نویسین، جمله‌بندی‌تون هم فارسی باشه؛ یعنی سافت‌ر عربی رو وارد فارسی نکنین!	ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِقَضَائِهِمْ.	۸
درس دوم				
۹	۰/۵	برای مترادف و متضادها، هتماً به جدول‌هایی که توی درس‌نامه‌ها براتون آوردیم، به نگاهی بندازین.	أكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة واحدة زائدة) «إثم - تعيد - دنا - ذنب - بعد» الف) = ب) ≠	۹
۱۰	۱/۵	تو این سوال باید نوع و زمان فعل رو خوب تشخیص بدین!	ترجم کلمات الّتی تحتها خطّ. الف) الْمُؤْمِنُ اتَّبَعَ عَنِ الْمَعَاصِي. ج) قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ. هـ) يَسْتَحْدِثُ الْمُدْرَسُ أُسَالِيْبَ جَدِيْدَةً فِي التَّدْرِيسِ. ب) جَالِسِ الْعُلَمَاءِ وَ الْعُقَلَاءِ. د) سَيَسْتَسِحِبُ الْعَدُوَّ مِنْ أَرْضِينَا. و) أُنْقِذْ ذَلِكَ الرَّجُلَ مِنَ الْغَرَقِ.	۱۰
۱۱	۲	فارسی روان قلموش نشه، هواستون به اسلوب شرط و هائنی استمراری هم باشه!	ترجم الجملتين إلى الفارسيّة المألوفة. الف) ﴿وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ ب) كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعْتَبًا.	۱۱
۱۲	۰/۲۵		أجب عن السؤال حسب الصورة. أهذه نافذة؟	۱۲
۱۳	۱/۵	فعل شرط معمولاً پسینده به ادرات شرط. چواب شرط هم معمولاً به کنی‌ها برتر میاد!	عین فعل الشرط في الجملة الأولى و جواب الشرط في الجملة الثانية ثم ترجم الجملتين. الف) ﴿وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ ب) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ.	۱۳
۱۴	۰/۷۵	هواستون به تعار و جنس کلمه‌ها باشه تا بتونین فعل مناسب رو انتخاب کنین. هتماً فعل شرط هم می‌نویسید. از ما گفتن بود!	عین الفعل المناسب للفراغ. الف) يا تلاميذُ رجاءٌ تمارينكم يدقيه. ب) إن صديقك فهو يساعدك أيضاً. ج) الطالباُت بدون إذن المعلمة. أكتبوا <input type="checkbox"/> أكتب <input type="checkbox"/> أكتبوا <input type="checkbox"/> تنصري <input type="checkbox"/> تنصرو <input type="checkbox"/> تنصري <input type="checkbox"/> لا يتكلمن <input type="checkbox"/> لا تتكلمن <input type="checkbox"/> لا يتكلمن <input type="checkbox"/>	۱۴

ردیف	آزمون شماره ۱	عربی زبان قرآن (۲)	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	kheilisabz.com	شماره
۱۵	<p>انتخب الترجمة الصحيحة.</p> <p>الف) العالم حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيْتًا.</p> <p>ب) أَنْ لَا يَعِصِيَ أَوْ أَمَرَ الْمُعَلِّمَ.</p> <p>۱) دانشمند زنده است اگر چه مرده باشد.</p> <p>۲) دانشمند مرده، هم چنان زنده است.</p> <p>۱) از دستور معلم سرپیچی نمی کند.</p> <p>۲) که از دستورات معلم سرپیچی نکند.</p>					۵/۵
۱۶	<p>اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة التالية.</p> <p>كان في الصف الحادي عشر طالب مشاغب يضرُّ الطلاب يسلو كيه يتكلم مع الذي خلفه و يلتفت تارة إلى وراء. شاهدته مرة المعلم و هو يهيمس إلى الذي يجلس جنبه. فحزن أحد الطلاب من أعماله فذهب عند المعلم فقال له: «أريد أن أكتب إنشاء حول الآداب في مجلس الدرس». فقال المعلم: «فكرة رائعة. عليك أن تطالع كتاب «منية المرید» لزين الدين العاملي فهو يساعذك على كتابة إنشائك. إن تقرأ إنشائك أمام الطلاب فسوف يتنبه زميلك المشاغب» و هذا قسم من إنشائه:</p> <p>للطالب في محضر المعلم آداب فأهملها:</p> <p>□ (۱) أن لا يتكلم مع غيره من الطلاب عندما يدرس المعلم.</p> <p>□ (۲) الجلوس أمامه بأدب و الاستماع إليه بيقظة و عدم الالتفات إلى وراء إلا للضرورة.</p> <p>الف) في أي صف الطالب؟</p> <p>ب) هل كان الطالب المشاغب ينفع الطلاب يسلو كيه؟</p> <p>ج) في أي حالة شاهد المعلم الطالب المشاغب؟</p> <p>د) عن أي موضوع كان إنشاء أحد الطلاب؟</p> <p>هـ) لمن كتاب «منية المرید»؟</p> <p>و) أي جملة في النص من آداب الطالب في محضر المعلم؟</p> <p>□ (۱) أن يلتفت إلى وراء و عدم الاستماع إليه.</p> <p>□ (۲) عدم التكلم مع بقية الطلاب عند التدريس.</p>					۵/۵
درس سوم						
۱۷	<p>أكتب مفرد أو جمع الكلمتين.</p> <p>الف) أغصان:</p> <p>ب) بذر:</p>					۵/۵
۱۸	<p>ترجم هذه العبارة حسب قواعد المعرفة و التكررة ثم عين المعرفة.</p> <p>﴿ فيها مضباح المضباح في رُجاجة ﴾</p>					۵/۵
۱۹	<p>ضع في المربع العدد المناسب. «كلمتان زائدتان»</p> <p>۱) المعتر</p> <p>۲) الالتفات</p> <p>۳) السوار</p> <p>۴) المحيط الهادئ</p> <p>۵) السابق</p> <p>۶) المواصفات</p> <p>۷) الاشتعال</p> <p>۸) المزارع</p> <p>□ زينه من الذهب أو الفضة.</p> <p>□ هو بحر كبير يُعادل ثلث الأرض.</p> <p>□ صفاً أخذ أو شيء.</p> <p>□ الذي يعمل في المزرعة.</p> <p>□ التجمع و الدوران حول شيء.</p> <p>□ الذي يعطيه الله عمراً طويلاً.</p>					۵/۵
۲۰	<p>إملاً فراغات الترجمة الفارسية.</p> <p>الف) الشجرة الخائفة شجرة تنمو في بعض الغابات الإستوائية:</p> <p>درخت</p> <p>ب) إزرعوا و اغرسوا</p> <p>بِه خدا سوگند مردم کاری</p>					۵/۵
۲۱	<p>ترجم إلى الفارسية المألوفة.</p> <p>عالم يُتَنَفَّع بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.</p>					۱
درس چهارم						
۲۲	<p>عين الكلمة الغريبة في المعنى.</p> <p>الف) لُب</p> <p>ب) سِوَال</p> <p>□ حُب</p> <p>□ قَمِيص</p> <p>□ مَوَدَّة</p> <p>□ فُستَان</p> <p>□ وَدَّ</p> <p>□ سَمَك</p>					۵/۵
۲۳	<p>ترجم الجملة إلى الفارسية المألوفة.</p> <p>﴿ وَ لَا تَقُفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾</p>					۱
۲۰	<p>جمع نمرات</p> <p>موفق باشید</p>					

ردیف	آزمون شماره ۹	عربی زبان قرآن (۲)	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمبره
						نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم
۱	الف) مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره) ترجم کلمات التي تحتها خط. جاء رجل إلى رسول الله ﷺ فقال: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فقال: لا تُكْذِب.					۰/۵
۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة واحدة زائدة) «قيام - ديباج - بعت - جلوس - أرسل» الف) = ب) ≠					۰/۵
۳	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف) زُملاء: ب) بهيمة:					۰/۵
۴	عين الكلمة الغريبة في المعنى. الف) كَلَّمَ <input type="checkbox"/> كَلَّمَ <input type="checkbox"/> ب) أَكْرَمَ <input type="checkbox"/> أَكْرَمَ <input type="checkbox"/> جَدَّتْ <input type="checkbox"/> حَدَّتْ <input type="checkbox"/> أَسْوَدَ <input type="checkbox"/> أَسْوَدَ <input type="checkbox"/> كَمَلَّ <input type="checkbox"/> كَمَلَّ <input type="checkbox"/> أَبْيَضَ <input type="checkbox"/> أَبْيَضَ <input type="checkbox"/> تَكَلَّمَ <input type="checkbox"/> تَكَلَّمَ <input type="checkbox"/> أَصْفَرَ <input type="checkbox"/> أَصْفَرَ <input type="checkbox"/>					۰/۵
۵	ب) مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره) ترجم هذه الجملة إلى الفارسية المألوفة. الف) أتقى الناس من قال الحق في ما لله و عليه. ج) من أخلاق الجاهل الإجابة قبل أن يسمع و المعارضة قبل أن يفهم. هـ) لا بُدَّ أن تعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي.					۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة. الف) «يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم و الله أعلم بما يكتمون» ۱) با دهانشان آنچه را که در قلب هایشان نیست می‌گویند و خدا به دروغی که بر زبان می‌رانند، آگاه است. ۲) با دهان هایشان آنچه را که در دل هایشان نیست می‌گویند و خدا به آنچه پنهان می‌کنند، داناتر است. ب) قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا. ۱) حق را بگو. هر چند تلخ باشد. ۲) حق را می‌گویم آنچه چنان که تلخ است.					۰/۵
۷	املاً فراغات الترجمة الفارسية. الف) إِنْ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِهِ. از بندگان خدا کسی است که با او به خاطر گفتار و کردار زشتش، ناپسند شمرده شود. ب) قَرَّرَ أَرَبَهُ طَلَّابٌ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّضَلُّوا بِالْأَسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ سَيَّارَتِنَا انْفَجَرَ، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةً نُنْقِلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ. چهار دانشجو که در امتحان غیبت کنند و با استاد تماس تلفنی گرفتند و به او گفتند: «..... خودروی ما ترکید و خودروی نیست که ما را به منتقل کند و حاضر شویم.»					۱/۵
۸	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره) ترجم الأفعال التي تحتها خط. الف) لِمَاذَا لَا تَخْرُجُونَ مِنْ صُفُوفِكُمْ؟ ب) أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، أَشْكُرُوا رَبَّكُمْ. ج) أَلْتَلَامِيذُ مَا رَجَعُوا مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ. د) إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ لِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ.					۱
۹	عين نوع الأفعال في الجملة التالية. الف) «أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا حُلَّةٌ» ب) يَا حَاجُّ، رَجَاءٌ، رَاجِعٌ طَبِيبًا.					۱
۱۰	عين نوع الأسماء: اسم الفاعل، أو اسم المفعول، أو اسم المبالغة، أو اسم المكان، أو اسم التفضيل. (اثنين) الف) هُنَاكَ مَطَابِعٌ كَثِيرَةٌ فِي سَاحَةِ انْقِلَابٍ. ب) «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»					۰/۵
۱۱	عين جواب الشرط، ثم عين الترجمة الصحيحة. إِنْ صَبَّرْتَ حَصَلَتْ عَلَيَّ النَّجَاحُ فِي حَيَاتِكَ. الف) قطعاً اگر صبر کنی، موفقیت را در زندگی به دست می‌آوری. ب) اگر صبر کنی، موفقیت را در زندگی به دست می‌آوری.					۰/۵
۱۲	اكتب في الفراغ عدداً مناسباً. عِشْرُونَ زَائِدٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي					۰/۵

ردیف	عربی زبان قرآن (۲)	کلیه رشته‌ها به‌جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	kheilisabz.com	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	نمره
آزمون شماره ۹						
۱۳	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ب) ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾					۱
۱۴	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿عَلَى اللَّهِ فُلَيْتَوَكُلِّ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ب) ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾					۱
۱۵	ترجم هاتین الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة. الف) كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. ب) كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.					۱
۱۶	أذكر المحل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط. يَكْتُبُ الْمُدْرِسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوحِ.					۱
(د) مهارت درک و فهم (۳ نمره)						
۱۷	ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (كلمتان زائدتان) «غَايَةٌ - السُّرُوَالُ - الْبُرْنَاقُجُ - مُحَاضِرَةٌ - السَّرِيرُ - السُّفُنُ - مُخَضَّرَةٌ - الْمُفْرَدَاتُ - الثَّقَافَةُ» الف) ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ﴾ ج) إِنَّ هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. هـ) أَلْتَرَشَّفُ قِطْعَةً فَمَا شِئْتُ تَوْضِعَ عَلَيَّ					۱/۵
۱۸	عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. الف) مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ شُجَاعٌ. ج) عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصُّ الْعَنَاصِرِ. هـ) يَلْعَبُ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْمِنْضَدَةِ أَحَدٌ عَشَرَ لَاعِبًا.					۱/۵
(هـ) مهارت مکالمه (۵/۵ نمره)						
۱۹	أجب عن السؤال التالي. يَمُّ تُسَافِرُ إِلَى مَشْهَدٍ؟					۰/۲۵
۲۰	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. «بِأَلَمٍ - رَأْسِي - فِي - بِكَ - أَشْعُرُ - مَا - ؟ - ..»					۰/۲۵
۲۰	جمع نمرات	موفق باشيد				

پاسخنامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- آلوده شدن به گناه (چه) بد کاری است.

۲- «أَحَبُّ: مبتدا و مرفوع» (اسم مرفوع ابتدای جمله، مبتدا است)، «عِبَاد: مضاف‌الیه و مجرور» (مضاف‌الیه بیشتر وقت‌ها «بِ» می‌گیرد)، «أَنْفَعُ: خبر و مرفوع» (اسم مرفوعی که معنای مبتدا را کامل کند، خبر است) و «عِبَاد: مجرور به حرف جرّ» (اسم‌های بعد از حرف جرّ «لِ» بِ، فی و ... مجرور به حرف جرّند. این اسم‌ها بیشتر وقت‌ها «بِ» دارند).

ترجمه عبارت: «محبوب‌ترین بندگان خداوند، سودمندترینشان برای بندگانش است.»

۳- اسم مکان بر وزن‌های «مَفْعَل، مَفْعَلَة» می‌آید، درست مثل «مَكْتَبَة»

ترجمه عبارت: «نزدیک خانه ما کتابخانه بزرگی هست که در آن کتاب‌های ارزشمندی وجود دارد.»

۴- اسم تفضیل بیشتر وقت‌ها بر وزن «أَفْعَل» می‌آید. دو کلمه «خَيْر» و «شَر» هم به شرطی که مضاف شوند یا بعدشان «مِن» بیاید، اسم تفضیل‌اند. پس در «الف» «خَيْر» و در «ب» «أَثْقَل» اسم تفضیل‌اند.

ترجمه عبارت: «الف» شب قدر از هزار شب، بهتر است.

ب) در ترازوی اعمال، چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.

۵- ثَلَاثَةٌ وَ تَسْعِيْنٌ: پنجاه و هفت به اضافه سی و شش برابر است با نود و سه.

۶- «عَقَار» اسم مبالغه است. چرا؟ چون بر وزن «فَعَال» است. اسم مفعول هم از فعل‌هایی که سوم شخص مفردشان سه حرف است، بر وزن مَفْعُول می‌آید؛ پس «مَعْبُود» اسم مفعول است.

ترجمه عبارت: «الف» بی‌شک خدا بسیار آموخته گناهان است.

ب) ای معبودی (پرستیده شده‌ای) که شریکی نداری.

۷- به‌به! زبان است و مکالمه‌اش! در جملات پرسشی، ادات پرسشی ابتدای جمله می‌آید.

يَكُمُ تَومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ این شلوارها چند تومان است؟

۸- آن تلاشی زشت برای نمایاندن رازهای مردم به منظور رسواکردنشان است.

۹- الف) إِثْمٌ = ذَنْبٌ: گناه / ب) ذَنْبٌ: نزدیک شد بِ: بَعْدَ: دور شد

كَلِمَةٌ اِضَافِيٌّ: بَعِيدٌ: دور

۱۰- الف) مؤمن از گناهان دوری کرد. («إِنْتَعَدَ» فعل ماضی باب افتعال است.)

ب) با دانشمندان و خردمندان همنشینی کن. («جَالَسَ» فعل امر باب مفاعله است.)

ج) خداوند، شراب را حرام کرده است. («حَرَّمَ» فعل ماضی باب تفعیل است. ضمن این که «قَدْ» باعث شده این فعل به صورت ماضی نقلی ترجمه شود.)

د) دشمن از سرزمین‌های ما عقب‌نشینی خواهد کرد. («سَيَسْتَسِحِبُ» فعل مستقبل و از باب انفعال است.)

ه) معلم در درس‌دادن، شیوه‌هایی جدید را استفاده می‌کند. («يَسْتَخْدِمُ» فعل مضارع باب استفعال است.)

و) آن مرد را از غرق شدن نجات بده. («أَقْدَمَ» فعل امر باب إفعال است.)

۱۱- الف) هر چه از نیکی انفاق کنید، خداوند به آن داناست. («تُنْفِقُوا» فعل شرط است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. جمله «إِنَّ اللَّهَ ...» هم جواب شرط است و «فَ» ابتدای آن ترجمه نمی‌شود.)

ب) دانش‌آموز از معلم زیست‌شناسی برای مچ‌گیری سؤال می‌کرد. (یادتان هست که «كَانَ + مضارع» را به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کردیم؟!)

۱۲- لا، هَذِهِ سَبَّوْرَةٌ. آیا این پنجره است؟ نه؛ این یک تخته‌سیاه است.

۱۳- الف) «تَقَدَّمُوا» فعل شرط است. چرا؟ چون چسبیده به ادات شرط (ما) و «ن»‌اش هم حذف شده! بد نیست بدانید که «تجدوا» هم فعل جواب شرط است.

ترجمه عبارت: «هر چه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید.»

ب) «هرگاه عقل کامل شود، سخن کم می‌شود.» «إِذَا» ادات شرطی است که تغییر ظاهری در فعل‌های شرط و جواب شرط به وجود نمی‌آورد، ضمن این که اصلاً وقتی فعل‌های شرط و جواب شرط ماضی باشند تغییری در ظاهرشان نخواهیم دید. خلاصه! «تَقَضَّ» جواب شرط است. فعل جواب شرط از ادات شرط کمی دورتر است!

۱۴- الف) ای دانش‌آموزان، تمرین‌هایتان را به دقت

بنویسید بنویس بنویسید

چون «تَلَامِيذُ» جمع مذکر است باید از فعل جمع مذکر استفاده کنیم. «أَكْتُبُ» فعل مفرد مذکر و «أَكْتُبَا» مناسبت.

ب) إِنْ تُنْصِرُ صَدِيْقَكَ فَهُوَ يُسَاعِدُكَ أَيضاً: اگر دوستت را یاری کنی، او هم به تو کمک خواهد کرد.

«إِنْ» ادات شرط است و باعث می‌شود فعل بعدش تغییر کند. پس «تُنْصِرُ» غلط است! از طرفی ضمیر «كَ» نشان می‌دهد که باید از فعل مذکر استفاده کنیم. «تُنْصِرِي» فعل مؤنث است.

ج) دانش‌آموزان بدون اجازه معلم

حرف نمی‌زنند حرف نمی‌زند حرف نمی‌زنید

اولاً که «الطَّالِبَاتُ» جمع است، پس «لا تَتَكَلَّمْنَ» که مفرد است می‌رود بی سرنوشتش! از طرفی، جمله دارد درباره دانش‌آموزان صحبت می‌کند و باید از فعل سوم شخص استفاده کنیم. «لا تَتَكَلَّمْنَ» فعل دوم شخص است.

۱۵- الف) گزینه «۱»، در گزینه «۲» «إِنْ» ترجمه نشده و جای «مرده» و «زنده» عوض شده است.

ب) گزینه «۲» «أَنْ + فعل مضارع» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. ضمن این که «أوامر» جمع است.

۱۶- **ترجمه متن:** در کلاس یازدهم، دانش‌آموزی اخلاک‌گر بود که با رفتارش به

دانش‌آموزان ضرر می‌رساند، با پشت سری‌اش حرف می‌زد و یک بار به عقب برمی‌گشت. معلم یک بار او را دید در حالی که با کسی که کنارش نشسته بود، آهسته صحبت می‌کرد (پیچ می‌کرد). یکی از دانش‌آموزان از کارهای ناراحت شد و نزد معلم رفت و

به او گفت: «می‌خواهم انشایی درباره آداب کلاس درس بنویسم.» معلم (در پاسخ) گفت: «ایده جالبی است. باید کتاب «منیة المرید» زین‌الدین عاملی را مطالعه کنی که آن، به تو

در انشای کمک می‌کند. اگر انشایت را مقابل دانش‌آموزان بخوانی، هم کلاسی اخلاک‌گرت هم آگاه خواهد شد.» این، بخشی از انشایش است:

دانش‌آموز در پیشگاه معلم، آدابی دارد که مهم‌ترینشان عبارت‌اند از:

۱) هنگامی که معلم در حال درس‌دادن است، با کسی از دانش‌آموزان صحبت نکنند.

۲) با ادب مقابلش بنشینند و به دقت به او گوش کند و جز به هنگام ضرورت، به عقب رو نبرند.

الف) الحادي عَشْرَ. دانش‌آموزان در کدام کلاس هستند؟ یازدهم.

ب) لا؛ هُوَ كَانَ يَصْرُحُ الطَّلَابَ بِسَلْوَكِهِ. آیا دانش‌آموز اخلاک‌گر با رفتارش به دانش‌آموزان سود می‌رساند؟ نه؛ او با رفتارش به دانش‌آموزان، ضرر می‌رساند.

ج) عِنْدَمَا يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ. معلم در چه حالتی دانش‌آموز اخلاک‌گر را دید؟ هنگامی که با کسی که کنارش نشسته بود، آهسته حرف می‌زد.

د) آدَابُ الطَّلَابِ فِي مَجْلِسِ الدَّرْسِ. انشای یکی از دانش‌آموزان در مورد چه چیزی بود؟ آداب دانش‌آموز در کلاس درس.

ه) زَيْنُ الدِّينِ عَامِلِي. کتاب «منیة المرید» برای چه کسی است؟ برای زین‌الدین عاملی.

و) کدام جمله در متن از آداب دانش‌آموز در محضر معلم است؟

- (۱) که به پشت سر برگردد و به او گوش نکنند.
- (۲) هنگام آموزش با بقیه دانش‌آموزان، حرف نزنند.
- ۱۷- الف) أَغْصَانٌ ← مفرد ← غُصْنٌ (شاخه)
ب) بَدْرٌ ← جمع ← بُدُورٌ (دانه‌ها)
- ۱۸- در آن چراغی هست. آن چراغ در شیشه‌ای هست.
در ترجمه اسم‌های نکره مثل «مصباح» و «زجاجه» از «یک، ی» کمک می‌گیریم.
«المصباح» هم چون «ال» دارد، معرفه است. در ترجمه‌اش هم از «آن» استفاده کردیم.
- ۱۹- (۱) الْمُعَمَّرُ هُوَ الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمُرًا طَوِيلًا؛ کهنسال، کسی (چیزی) است که خداوند به او عمر درازی می‌دهد.
- (۲) الْإِلْتِفَافُ هُوَ التَّجَمُّعُ وَالِدَوَّرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ؛ به دور چیزی پیچیدن، جمع شدن و چرخش دور چیزی است.
- (۳) السَّوَارُ زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ؛ دستبند، زینتی از طلا یا نقره است.
- (۴) الْمُحِيطُ الْهَادِي هُوَ بَحْرٌ كَبِيرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ؛ اقیانوس آرام، دریای بزرگی است که معادل یک‌سوم زمین است.
- (۵) الْمَوَاضِفَاتُ هِيَ صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ؛ مشخصات، ویژگی‌های یک نفر یا یک چیز است.
- (۶) الْمَزَارِعُ هُوَ الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ؛ کشاورز کسی است که در مزرعه کار می‌کند.
کلمات اضافی: السَّائِقُ: راننده / الإِشْتِعَالُ: سوختن
- ۲۰- الف) درخت خفه‌کننده، درختی است که در برخی جنگل‌های استوایی رشد می‌کند.
ب) کشاورزی کنید و نهال بکارید. به خدا سوگند مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام نداده‌اند.
- ۲۱- دانشمندی که از دانشش سود برده می‌شود، بهتر از هزار عابد است. دقت کنید که «يُنْتَفَعُ» فعل مجهول است.
- ۲۲- الف) مغز میوه دوست داشتن
ب) شلوار پیراهن پیراهن زنانه ماهی دوست داشتن دوست داشتن
- ۲۳- از چیزی که نسبت به آن علم نداری، پیروی نکن. (ترکیب لیس + ل + اسم ضمیر) مفهوم «نداشتن» را می‌سازند.

ج) دانش آموزان از گردش علمی بروننگشتند. «ما رَجَعُوا» فعل ماضی منفی است.

د) من برای زیارت عتبات عالیات مسافرت خواهم کرد. «سَوْفَ أَسَافِرُ» فعل مستقبل است.

۹- الف) «أَنْفَقُوا» فعل امر از باب افعال، «رَزَقْنَا» فعل ماضی و «يَأْتِي» فعل مضارع است.

ترجمه عبارت: «از آن چه به شما روزی دادیم، انفاق کنید، قبل از آن که روزی بیاید که در آن داد و ستدی و دوستی‌ای و شفاعتی نیست.»

ب) «رَاجِعٌ» فعل امر از باب مفاعلة است.

ترجمه عبارت: «ای حاجی، لطفاً به پزشک مراجعه کن.»

۱۰- الف) جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِلِ» می‌آید؛ مثل همین «مَطَابِعِ» که جمع «مَطْبَعَةٌ» است.

ترجمه عبارت: «چاپخانه‌های بسیاری در میدان انقلاب هست.»

ب) اسم مبالغه بر وزن «فَعَالِ» می‌آید؛ مثل «التَّوَّابِينَ».

ترجمه عبارت: «قطعاً خداوند بسیار توبه‌کنندگان را دوست دارد.»

۱۱- ب) «إِنَّ» ادات شرط به معنای «اگر» است و نباید آن را با «إِنْ» قطعاً اشتباه بگیریم. ضمن این که در «الف» ضمیر «ك» ترجمه نشده است.

۱۲- ثلاثین: بیست به اضافه ده مساوی است با سی.

۱۳- الف) به نیکی دست نخواهید یافت تا این که از آن چه دوست دارید، انفاق کنید. «لَنْ» و «حَتَّى» هر دو باعث شدند «ن» از فعل‌های «تَنَالُوا» و «تُحِبُّوا» حذف شود. هم‌چنین «لَنْ» + مضارع: مستقبل منفی و «حَتَّى» + مضارع: تا + مضارع التزامی»

ب) می‌خواهند که سخن خدا را تغییر دهند. «أَنْ» خودش به صورت «که» ترجمه می‌شود و فعل بعدش هم به صورت مضارع التزامی

۱۴- الف) مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند. «لِ» امر بر سر صیغه‌های اول شخص و سوم شخص به معنای «باید» است، چون قبلش «فَ» آمده «لِ» ساکن شده. ضمناً آخر فعل هم برای راحتی در تلفظ، کسره گرفته است.

ب) اعراب گفتند: «ایمان آوردیم» بگو ایمان نیاورده‌اید. «لَمْ» + فعل مضارع: ماضی منفی (ساده یا نقلی))

۱۵- الف) سعید به دوستش کمک کرده بود. «كَانَ» + فعل ماضی: ماضی بعید

ب) سعید به دوستش کمک می‌کرد. «كَانَ» + فعل مضارع: ماضی استمراری

۱۶- «الْمُدْرَسُ» «مُدَّ» دارد و انجام‌دهنده فعل «يَكْتُبُ» است. پس فاعل است. «قَوَاعِدُ» «تَدْرُسُ» دارد و کاری رویش انجام شده، پس مفعول به است. «الدَّرْسُ» به «قَوَاعِدُ» اضافه شده و کسره گرفته، پس مضاف‌الیه است. «اللَّوْحُ» هم بعد از حرف جرّ «عَلَى» آمده و مجرور به حرف جرّ محسوب می‌شود.

۱۷- الف) مُخْضَرَّةٌ / از آسمان آبی نازل کرد و زمین سرسبز می‌شود.

ب) المَفْرَدَاتُ / بعد از ظهور اسلام، واژگان عربی در فارسی افزایش یافت.

ج) الثَّقَافَةُ / فرهنگ، ارزش‌های مشترک بین گروهی از مردم است.

د) غَايَةٌ / گویا راضی کردن همه مردم، هدفی دست‌نیافتنی است.

ه) السَّرِيرُ / ملحفه، قطعه پارچه‌ای است که روی تخت قرار داده می‌شود.

و) مُحَاضَرَةٌ. استاد در دانشگاه، درباره شیمیل سخنرانی کرد.

کلمات اضافی: السَّرْوَالُ: شلوار / البرنامج: برنامه

۱۸- الف) نادرست / هر کس مردم از زبانش بترسند، شجاع است. (قسمت آخر عبارت باید این باشد: «فَهَوَّ مِنْ أَهْلِ النَّارِ: او اهل آتش است.»)

ب) درست / کتاب، دوستی است که ما را از مصیبت نادانی نجات می‌دهد.

ج) نادرست / تعریف ارائه‌شده مربوط به «الکیمیاء: شیمی» است نه «علم الأحياء: زیست‌شناسی». علم مطالعه خواص عناصر!

د) درست / باید با دیگران به اندازه عقل‌هایشان حرف بزنیم.

ه) نادرست / در تیم تیس روی میز، یازده بازیکن بازی می‌کنند. (در «كُرَّةُ الْقَدَمِ: فوتبال» یازده بازیکن بازی می‌کنند.)

و) درست / نمادهای پیشرفت در عرصه‌های دانش، صنعت و ادبیات، تمدن نامیده می‌شود.

۱۹- بِالطَّائِرَةِ. با چه چیزی به مشهد سفر می‌کنی؟ با هواپیما.

۲۰- مَا يَكُ؟ أَشَعْرٌ يَأْلَمُ شَدِيداً فِي رَأْسِي: چت شده است؟ در سرم احساس درد شدیدی می‌کنم. (جای کلمه پرسشی، ابتدای جمله است.)

ازمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- مردی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و گفت: «اخلاقی به من بیاموز که خیر دنیا و آخرت را برایت جمع کند.» پیامبر فرمود: «دروغ نگو»

یک نکته خیلی جالب دارد این سؤال. «ن» در «عَلَّمَنِي» «ن» وقایه است.

۲- الف) يَغْتُ = أُرْسَلُ: فرستاد / ب) جُلُوسٌ: نشستن ≠ قیام: ایستادن

کلمه اضافی: دیباچ: ابریشم

۳- الف) زُمَّلَاءٌ مفرد ← زمیل: همکار ب) بَهِيمَةٌ جمع ← بهائم: چارپایان

۴- الف) سخن گفت حرف زد

کامل کرد حرف زد

فکر می‌کنم خیلی واضح است!

ب) گرمی‌تر سیاه سفید زرد

به جز «أَكْرَمُ» که اسم تفضیل است، بقیه کلمات، رنگ‌اند. بعضی رنگ‌ها بر وزن «أَفْعَلُ» می‌آیند. آن‌ها را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید!

۵- الف) باتقواترین مردم کسی است که حق را در آن چه به سود یا ضررش است، بگوید.

ب) شیمیل پانزده سالش بود، هنگامی که شروع به تحصیل زبان عربی کرد.

ج) از اخلاق نادان است پاسخ‌دادن قبل از شنیدن و مخالفت قبل از فهمیدن (از اخلاق نادان این است که پاسخ دهد قبل از این که بشنود و مخالفت کند قبل از این که بفهمد).

د) خدایا، به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود.

ه) باید بدانیم که تبادل واژگان بین زبان‌ها در جهان، امری طبیعی است.

۶- الف) گزینه ۲ «أَفْوَاهُ» جمع است نه مفرد، «أَعْلَمُ» هم اسم تفضیل است. ضمن این که قسمت دوم عبارت در گزینه ۱ «ب» به کل اشتباه ترجمه شده!

ب) گزینه ۱ «قُلُّ» فعل امر است نه مضارع، ضمن این که «و إِنْ» یعنی «هر چند» نه «آن‌چنان».

۷- الف) از بدترین بندگان خدا کسی است که همنشینی با او به خاطر گفتار و کردار زشتش، ناپسند شمرده شود.

ب) چهار دانشجو تصمیم گرفتند که در امتحان غیبت کنند و با استاد تماس تلفنی گرفتند و به او گفتند: «یکی از تایرهای خودروی ما ترکید و خودرویی نیست که ما را به دانشگاه منتقل کند و نخواهیم توانست حاضر شویم.»

حتماً حواستان هست که «لَنْ» + فعل مضارع: مستقبل منفی»

۸- الف) چرا از کلاس‌هایتان خارج نمی‌شوید؟ «لَا تَخْرُجُونَ» فعل مضارع منفی است. (ب) ای مؤمنان، از پروردگارتان سپاس‌گزاری کنید. («أَشْكُرُوا» فعل امر است.)

درس نامه توپ برای شب امتحان

فَن تَرْجَمَه

حتماً تا حالا متوجه شده‌اید که در ترجمه اسم تفضیل از «تر» کم می‌گیریم. حالا ببینیم کی از «تر» و کی از «ترین» استفاده می‌کنیم.

۱ «تر»: اگر بعد از اسم تفضیل، «مِن» بیاید، در ترجمه آن از «تر» استفاده می‌کنیم.

مثال: هَذَا الْقَمِيصُ أَغْلَى مِنْ ذَلِكَ. این پیراهن از آن یکی گران‌تر است.

راستی! اگر اسم تفضیل، «صفت» هم شود، باید در ترجمه‌اش از «تر» استفاده کنیم؛

مثال: الْوَلَدُ الْأَصْغَرُ: فرزند کوچک‌تر الْبِنْتُ الْكَبِيرَى: دختر بزرگ‌تر

۲ «ترین»: اگر اسم تفضیل، مضاف شود، در ترجمه‌اش از «ترین» کم می‌گیریم.

مثال: عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ هُمْ لِعِبَادِهِ:

اسم تفضیل مضاف‌الیه اسم تفضیل مضاف‌الیه
(مضاف) (مضاف)

محبوب‌ترین بندگان خداوند، سودمندترینشان برای بندگانش است.

اسم مکان

از اسمش پیداست که به مکان اشاره می‌کند. این اسم در عربی بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

مثال: هُنَاكَ قُرْبٌ بَيْنَنَا مَلْعَبٍ كَبِيرٍ: نزدیک خانه ما، ورزشگاه بزرگی هست.

اسم مکان

ذَلِكَ مَنَزِلٌ جَدِي: آن خانه پدر بزرگم است.

اسم مکان

أَخِي يَعْمَلُ فِي الْمَطْبَعَةِ: برادرم در چاپخانه کار می‌کند.

اسم مکان

توجه: دوستان خوبم! حواستان را جمع کنید. وزن «مَفْعَلَةٌ» همیشه برای مکان به کار

می‌رود، ولی «مَفْعِل» و «مَفْعَل» بین مکان و زمان مشترک‌اند. فقط در جمله می‌توانیم

بفهمیم برای مکان به کار رفته‌اند یا زمان.

مثال: الرُّؤَاؤُ يَذْهَبُونَ إِلَى مَكَّةَ الْمَكْرَمَةِ فِي مَوْسِمِ الْحَجِّ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعِل»

زائران در فصل (موسم) حج به مکه مکرمه می‌روند.

مَبْدَأُ الْعَامِ الْهَجْرِيِّ هُوَ الشَّهْرُ الْمُحَرَّمُ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعِل»

زمان شروع سال هجری، ماه محرم است.

شاهدت صديقي في موقف الحافلة: دوستم را در ایستگاه اتوبوس دیدم.

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

أُمِّي مَشْغُولَةٌ بِطَبْخِ الطَّعَامِ فِي الْمَطْبَخِ:

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مادرم در آشپزخانه مشغول پختن غذا است.

نکته: جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید.

مثال: «مَطَاعِم» جمع «مَطْعَم» رستوران «مَنَازِل» جمع «مَنَزِل» خانه

«مَطَابِع» جمع «مَطْبَعَة» چاپخانه «مَلَاعِب» جمع «مَلْعَب» ورزشگاه

کلمات و عبارات مهم درس

فعلها

إِجْتَنِبُوا: پرهیزید

إِغْتَابَ: غیبت کرد

إِتَّقَى: پروا کرد

بُئِسَ: بد است

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنَ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ



اسم تفضیل و اسم مکان

اسم تفضیل

به مثال‌های زیر دقت کنید:

الف) الطَّائِرَةُ أَسْرَعُ الْوَسَائِلِ فِي ثَقَلِ الْمَسَافِرِينَ: هواپیما سریع‌ترین وسایل در حمل‌ونقل مسافران است.

ب) مُحَمَّدٌ أَصْغَرُ مِنْ إِخْوَانِهِ: محمد از برادرانش کوچک‌تر است.

به کلماتی مانند «أَسْرَعُ» و «أَصْغَرُ» در عربی اسم تفضیل می‌گوییم. اسم تفضیل معنا و مفهوم برتری را می‌رساند و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است. این اسم در عربی بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

بهتر است یک مثال دیگر با هم ببینیم و بعد به نکته‌های اسم تفضیل بپردازیم.

هَذِهِ الْقَارَةُ أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ: این قاره، بزرگ‌ترین قاره‌ها در جهان است.

نکات

۱ گاهی اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَى» و «أَقْل» هم می‌آید.

مثال: هَذَا أَقْلُ شَيْءٍ أُرِيدُ مِنْكَ: این کم‌ترین چیزی است که از تو می‌خواهم.

جَبَلٌ إِرْسْتُ أَغْلَى مِنْ جَبَلِ دِمَاوَنْد: کوه ایرست از کوه دماوند بلندتر است.

۲ جمع اسم تفضیل را بیشتر وقت‌ها بر وزن «أَفَاعِل» می‌بینید.

مثال: إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ: هنگامی که فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند. («الأرادل» جمع «الأرذل» و «الأفاضل» جمع «الأفضل»)

۳ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید.

مثال: غَضِبَتِ الْأَخْتُ الْكَبِيرَى عَلَى الْأَخْتِ الصَّغْرَى: خواهر بزرگ‌تر از دست خواهر کوچک‌تر خشمگین شد.

اما یک نکته ریز این‌جا هست! همان‌طور که می‌بینید، «الکبری» و «الصغری» در مثال‌های بالا اسم تفضیل‌اند و به صورت مؤنث آمده‌اند؛ چون در جمله صفت هستند.

پس اسم تفضیل اگر موصوف مؤنث داشته باشد به صورت مؤنث می‌آید. چرا این را گفتیم؟ چون برای مقایسه بین دو اسم مؤنث هم از همان اسم تفضیل مذکر (یعنی بر وزن «أَفْعَل») استفاده می‌کنیم.

مثال: فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَهْرَاءَ: فاطمه از زهرا بزرگ‌تر است.

۴ حُب! حالا یک نکته مهم! دو کلمه «حَبْر» و «شَر» را حتماً تا حالا در عربی خیلی دیده‌اید. این دو اسم هم، می‌توانند اسم تفضیل باشند. البته در دو حالت:

۱) بعد از آن‌ها «مِن» بیاید.

مثال: عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ حَبْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ: دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.

۲) مضاف شوند؛ یعنی بعد از آن‌ها مضاف‌الیه بیاید.

مثال: شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَسْلِمُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ:

اسم تفضیل مضاف‌الیه (مضاف)

بدترین مردم کسی است که مردم از دست و زبانش، در امان نباشند.

اگر موافقید، از هر کدام دوباره یک مثال ببینیم:

تَفَكَّرُ سَاعَةً حَبْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن از هفتاد سال عبادت، بهتر است. حَبْرٌ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ: بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.

اسم تفضیل مضاف‌الیه (مضاف)



تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد

سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد

عَابَ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد

قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد

كِرَّةٍ: ناپسند داشت

لَمَرًا: عیب گرفت

سایر کلمات و عبارات

إِثْمٌ: گناه

تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن

عَجِبَ: خودپسندی

تَوَابَ: بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده

فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه

عَسَى: شاید

لَحْمٌ: گوشت

فَضَحَ: رسوا کردن

مَيِّتٌ: مرده

متن درس

﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾: از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

لا يَسْخَرَنَّ: نباید مسخره کند.

عَسَى أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ: شاید از آن‌ها بهتر باشند.

﴿لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾: از یکدیگر عیب نگیرید و به یکدیگر لقب‌های

زشت ندهید.

مَن لَّمْ يَتُوبْ: هر کس توبه نکند.

﴿بَعْضُ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لا تَجَسَّسُوا وَ لا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾: بعضی از آن‌ها گناه‌اند و

جاسوسی نکنید و نباید بعضی از شما غیبت برخی دیگر را کند.

﴿أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾: که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد.

﴿فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾: آن را ناپسند می‌دانید و تقوای خدا پیشه کنید.

أَنْ تَتَّبِعُوا عَنِ الْعُجْبِ: که از خودپسندی دوری کنیم.

يَكْلَامٍ خَفِيٍّ: با سخنی پنهان

لا تَلْقَبُواهُمْ: به آن‌ها لقب ندهید.

حَرَّمَ اللَّهُ: خداوند حرام کرده است.

الِاسْتِهْزَاءِ بِالْآخِرِينَ وَ تَسْمِيَتِهِم بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: مسخره کردن دیگران و نامیدن آن‌ها

با نام‌های زشت.

لِقَضَائِهِمْ: برای رسوا کردنشان

كِبَائِرِ الذُّنُوبِ: گناهان کبیره (بزرگ)

قَطَعَ التَّوَابِلَ: قطع ارتباط

کلمات حواری (گفت و گو)

سَعْرٌ: قیمت

سِتُونَ أَلْفًا: شصت هزار

أَرْحَصَ: ارزان‌تر، ارزان‌ترین

غَالِيَةً: گران

تَفَضَّلِي: بفرما

التَّوَعُّبِيَّةَ: جنس

أَفْضَلُ: بهتر

مَشَجَرٌ: مغازه

رَمِيلٌ: همکار

تَخْفِيفٌ: تخفیف

کلمات و عبارات تمارین

أَعْلَمُ النَّاسِ: داناترین مردم

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ: محبوب‌ترین بندگان خداوند

أَنْفَعُهُمْ: سودمندترینشان

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ: برترین کارها

فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا: ما را ببامرز و ما را ببخشای. خَيْرُ الرَّاحِمِينَ: بهترین رحم‌کنندگان

خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَن أهدَى إِلَيْكُمْ غِيوبَكُمْ: بهترین برادرانتان، کسی است که عیب‌هایتان را

به شما هدیه دهد. (چون «خیر» مضاف شده، به صورت اسم تفضیل ترجمه می‌شود.)

مَن غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهَرَّ شَرٌّ مِّنَ الْبَهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، او از

چهارپایان هم بدتر است. (أَوَّلًا چون فعل ماضی «غَلَبَتْ» چیره شد» بعد از «مَن» هر کس»

آمده به صورت مضارع ترجمه می‌شود. ثانیاً بعد از «شَرٌّ» که اسم تفضیل است، «مِن»

آمده، پس در ترجمه‌اش از «تر» استفاده می‌کنیم.)

شَرُّ النَّاسِ: بدترین مردم

﴿جَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾: با آن‌ها با روشی که
نیکوتر است، ستیز کن.^۱ بی‌شک پروردگارت به حال کسی که از راهش گمراه شده،
آگاه‌تر است. («أَحْسَنُ» و «أَعْلَمُ» اسم تفضیل‌اند.)

مَن سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ: هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد. (بعد از
«مَن» فعل‌های ماضی را به صورت مضارع ترجمه می‌کنیم تا ترجمه‌مان روان‌تر شود.)

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من فقط برای کامل کردن بزرگواری‌های اخلاق مبعوث
شدم یا من فقط مبعوث شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم. («بُعِثْتُ» فعل ماضی
مجهول است.)

كَمَا حَسَنَتْ خَلْقِي: همان‌طور که آفرینشم را نیكو گردانیدی.

أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ: سنگین‌تر در ترازوی اعمال

زاید: به علاوه، تقسیم علی: تقسیم بر، فی: ضرب در، ناقص: منهای، یسّوای: برابر است با
يُحْسِنُ: نیکی می‌کند، اقْتَرَبَ: نزدیک شد، اِنْكَسَارٌ: شکسته شدن

يَسْتَفْعِرُ: طلب آموزش می‌کند لا يُسَافِرُ: مسافرت نمی‌کند

تَعَلَّمَ: بیاموز لا تَتَّبِعُوا لَوْلَا: عوض نکنید

سَوَّفَ يَعَلِّمُ: آموزش خواهد داد أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ: خداوند آرامشش را نازل کرد.

﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾: خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌دهد.

الْكَلَامُ فِطْنَةٌ: سخن (مانند) نقره است.

عَدَاوَةٌ: دشمنی صَدَاقَةٌ: دوستی

يَا مَن يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: ای کسی که نیكوکاران را دوست دارد (داری).

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: ای مهربان‌ترین مهربانان

سَاتِرٌ: پوشاننده غَفَّارِ الذُّنُوبِ: (بسیار) آمرزنده گناهان

اسم‌های تفضیل	
اسم تفضیل	صفت معمولی
أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	كَبِيرٌ: بزرگ
أَهَمُّ: مهم‌تر، مهم‌ترین	مُهْمٌ: مهم
أَحْسَنُ: بهتر، بهترین	حَسَنٌ: خوب
أَفْضَلُ: بهتر، بهترین	—
خَيْرٌ: بهتر، بهترین	خَيْرٌ: خوب
شَرٌّ: بدتر، بدترین	شَرٌّ: بد
أَعْلَى: بلندتر، بلندترین	عَالِيٌ: عالی
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین	غَالِيٌ: گران
أَحَبُّ: دوست‌داشتنی‌تر، دوست‌داشتنی‌ترین	مَحْبُوبٌ: دوست‌داشتنی
أَقَلُّ: کم‌تر، کم‌ترین	قَلِيلٌ: کم
أَكْثَرُ: بیشتر، بیشترین	كَثِيرٌ: زیاد
أَعْلَمُ: داناتر، داناترین	عَلِيمٌ: دانا
أَوْسَطُ: میانه‌تر، میانه‌ترین	—
أَثْقَلُ: سنگین‌تر، سنگین‌ترین	ثَقِيلٌ: ثقیل
أَرْحَصُ: ارزان‌تر، ارزان‌ترین	رَخِيسٌ: ارزان

اسم مکان	
اسم مکان	ریشه
مَلْعَبٌ: ورزشگاه	لَعَبٌ: بازی
مَطْعَمٌ: رستوران	طَعَامٌ: غذا
مَصْنَعٌ: کارخانه	صُنِعَ: ساختن
مَطْبُخٌ: آشپزخانه	طَبَخَ: پختن

۱- البته در این آیه بهتر است «جَادِلْ» را «مباحثه کن» ترجمه کنیم.

جمع مکسر		
ترجمه	مفرد	جمع
برادر، دوست	أخ	إخوان
چهارپا	بهيمة	بهائم
مدرسه	مدرسة	مدارس
ورزشگاه	ملعب	ملاعب
رستوران	مطعم	مطاعم
خانه	منزل	متنازل
قیمت	بسر	أسعار
شلوار	يسرول	سر اويل
گناه	ذنب	ذنوب

الدرس الثاني: في مخصر المعلم



جملات شرطیه

به جملات زیر دقت کنید:

﴿ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ ﴾: هر چه از کار نیک انجام دهید، خداوند آن را می‌داند.
 ﴿ مَنْ يَجْتَهِدْ فِي حَيَاتِهِ يَتَجَحَّ بِلا شك ﴾: هر کس در زندگی‌اش تلاش کند، بدون شک موفق می‌شود.
 ﴿ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا ﴾: اگر از خدا پروا کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل را قرار می‌دهد.

حتماً حدس زده‌اید دربارهٔ چه موضوعی می‌خواهم حرف بزنم! آفرین! جملات شرطیه. به جملاتی مانند جملات بالا «جملات شرطیه» می‌گوییم. این جملات سه رکن اصلی دارند: **الف) ادات شرط:** به کلمات «إِنْ اگر»، «مَا هر چه» و «مَنْ مَنْ» ادات شرط می‌گوییم. این کلمات در ابتدای جمله شرطیه می‌آیند.

ب) فعل شرط: فعلی است که بلافاصله بعد از ادات شرط می‌آید، در مثال‌های بالا: «تَفْعَلُوا: انجام دهید»، «يَجْتَهِدْ: تلاش کند» و «تَتَّقُوا: پروا کنید» فعل شرط‌اند. از اسمشان پیداست که این فعل، شرطی را برای جمله می‌گذارد. در واقع اگر فعل شرط محقق شود، به دنبالش اتفاق دیگری می‌افتد. (الان توی پواب شرط می‌کم چه اتفاقی)

ج) فعل جواب شرط: به‌جز فعل شرط در جملات شرطیه یک فعل دیگر هم وجود دارد. این فعل در حقیقت نتیجهٔ شرط است؛ یعنی اگر فعل شرط محقق شود، فعل جواب شرط هم محقق می‌شود. در مثال‌های بالا «يَعْلَمُ: می‌داند»، «يَتَجَحَّ: موفق می‌شود» و «يَجْعَلُ: قرار می‌دهد» فعل جواب شرط‌اند.

تغییر در ظاهر فعل‌های شرط و جواب شرط

ادات شرط تغییراتی را در فعل‌های شرط و جواب شرط به وجود می‌آورند که عبارت‌اند از: **الف) اگر آخر فعل (ن) باشد، به ساکن (ن) تبدیل می‌شود.**

ب) اگر آخر فعل «ن» باشد، «ن» حذف می‌شود.

ج) فعل‌های جمع مؤنث هیچ تغییری نمی‌کنند.

به مثال‌های زیر دقت کنید:

الف) مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا:

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

هر کس قبل از حرف زدن، بیندیشد، از اشتباه در امان می‌ماند.

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

ب) مَا تَعَلَّمَا مِنْ خَيْرٍ تَجِدَا عِنْدَ اللَّهِ:

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

هر چه از خوبی انجام دهید، آن را نزد خداوند می‌یابید.

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

اسم مکان	
ریشه	اسم مکان
حَمَل: بردن	مَحْمَل: کجاوه
تُرُؤل: فرود آمدن	مَنْزِل: خانه
کِتَابَة: نوشتن	مَكْتَبَة: کتابخانه
طَبْع: چاپ کردن	مَطْبَعَة: چاپخانه
دِرَاسَة: تحصیل	مَدْرَسَة: مدرسه
تِجَارَة: دادوستد	مَتَجَر: مغازه
وَقُوف: ایستادن	مَوْقِف: ایستگاه

مترادف

عَسَى	رُبَمَا	أَحْسَن	أَفْضَل
شاید	شاید	بهتر	بهتر
لَمَّا	عَاب	إِثْم	ذَنْب
عیب گرفت	عیب‌جویی کرد	گناه	گناه
مُحَاوَلَة	جُهِد	خَيْر	أَفْضَل
تلاش	کوشش	بهتر	بهتر
إِجْتَنَبَ	إِتْتَعَدَ	إِقْتَرَبَ	قَرَبَ
دوری کرد	دوری کرد	نزدیک شد	نزدیک شد

متضاد

خَيْر	شَرَّ	حُسْن	سوء
خوب، بهتر	بد، بدتر	خوبی	بدی
مَيِّت	حَيَّ	خَفِيَّ	ظَاهِر
مرده	زنده	پنهان	آشکار
عَجَب	تَوَاضَع	قَبِيح	جَمِيل
خودپسندی	فروتنی	زشت	زیبا
أَكْبَر	أَصْغَر	أَعْلَى	أَرْخَص
بزرگ‌ترین	کوچک‌ترین	گران‌تر	ارزان‌تر
كِرَة	أَحَبَّ	أَقَلَّ	أَكْثَر
ناپسند داشت	دوست داشت	کم‌تر	بیشتر
أَفْضَل	أَرَاذِل	ضَلَّ	إِهْتَدَى
شایستگان	فرومایگان	گمراه شد	هدایت شد
أَمَانَة	خِيَانَة	عَدَاوَة	صَدَاقَة
امانت	خیانت	دشمنی	دوستی

جمع مکسر

ترجمه	مفرد	جمع
عیب	عَيْب	عُيُوب
راز	سِرّ	أَسْرَار
گناه بزرگ	كَبِيرَة	كِبَائِر
فرومایه	أَرْدَل	أَرَاذِل
شایسته	أَفْضَل	أَفْضِل
بنده	عَبْد	عِبَاد
کار	عَمَل	أَعْمَال